

تجاوز جنسی، معضلی در تمام جوامع است و هیچ کشوری در دنیا، فارغ از این مشکل نمی باشد؛ البته به اعتقاد تحلیل گران اجتماعی، فرهنگ جوامع در میزان وقوع آن مؤثر است. اغلب کشورهای پیشرفته، به ویژه آمریکا، دارای بیشترین آمار تجاوز هستند، به طوری که امنیت زنان در این جوامع به صورت رؤیای تعبیر ناشدنی است. وزارت کشور انگلستان گزارش می دهد که حدود ۷۰ درصد زنان بین ۱۷ تا ۳۵ ساله، به طور دائم نگران هستند که مورد تجاوز جنسی قرار نگیرند. طبق این گزارش بین سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۶ آمار تجاوز افزایش چشمگیری داشته است. در حالی که بسیاری از زنان بزه دیده، کمتر این موضوع را به پلیس گزارش می دهند. مطالعه دیگری نشان می دهد که از هر پنج زن در دنیا، روزانه یک نفر مورد توهین و آزار جنسی واقع می شود. طبق این گزارش، سالانه ۷۰۰ هزار زن در آمریکا مورد تجاوز قرار می گیرند [1] و بین 6 تا 25 درصد زنان این کشور، حداقل یک بار مورد تجاوز جنسی واقعی قرار گرفته اند. همچنین بیش از 50 درصد زنان، حداقل یک بار در عمر خود تهدید به تجاوز جنسی شده اند. [2] البته این مسأله مختص کشورهای صنعتی نیست، بلکه کشورهای در حال توسعه نیز با چنین معضلی مواجهند. اخیراً گزارشات بسیار نگران کننده ای درخصوص تجاوز به اطفال منتشر می شود. چنانچه روزنامه البیان امارات می نویسد: «رشد تجاوز به دختر بچه ها در جنوب آفریقا به حد خطرناکی رسیده است و بسیاری از اطفال جنوب آفریقا، از طرف معلمان و شاگردان بزرگتر، مورد تجاوز جنسی واقع شده اند.» [3]

آمارهای منتشر شده از سوی برخی کشورها نیز جهانی بودن معضل تجاوز را نشان می دهد.

جدول درصد قربانیان جنسی در بعضی از کشورها بر حسب سن

نام کشور	10 ساله و کمتر	15 ساله
ایالات متحده		
آمریکا	29	62
لیما، پرو	18	-
مالزی	18	58
مکزیکوسیتی	23	36
پاناماسیتی	-	40
پاپوا-گینه نو	13	47
سانتیاگو (شیلی)	32	58

- تعریف لغوی

از نظر لغوی، «تجاوز» به معنای ظلم و تعدی می باشد، در لغت نامه دهخدا، یکی از معانی این مفهوم، تخطی، تعدی، بیرون شدن از حد، حق و عدل می باشد. [5]

- تعریف اصطلاحی

تجاوز به عنف نوعی رفتار خشن و تحقیر آمیز است که از طریق اعمال جنسی و برای ابراز قدرت و خشم صورت می گیرد، در چنین مواردی، رابطه جنسی به ندرت موضوع اصلی می باشد و در اکثر موارد مسائل جنسی در خدمت نیازهای غیر جنسی درمی آید. [6]

ویژگی های متجاوزین جنسی

بر اساس تحقیقات کشور آمریکا، 45 درصد تجاوزگران، کمتر از 25 سال و 30 درصد آنان بین 18 تا 24 سال دارند. بسیاری از متجاوزان، چندین بار مرتکب این بزهکاری شده و به طور متوسط قبل از دستگیری، بیش از 10 بار به زنان تجاوز کرده اند. [7] متجاوزین به لحاظ طبقه اجتماعی، متعلق به طبقات پایین و دارای پرونده های قبلی در اداره پلیس می باشند، همچنین تجاوز جنسی در مناطق شهری، شایع تر از مناطق روستایی است. 92 درصد از تجاوزگران نیز در دوران کودکی، به شدت توسط والدین خود تنبیه شده اند. 50 درصد تجاوزگران جنسی، در محله زندگی قربانی سکونت دارند؛ به طوری که 20 درصد قربانیان، نام فرد تجاوزگر را می دانند. در نیمی از موارد، فرد متجاوز بیگانه است، در 20 درصد موارد، قربانیان، فرد تجاوزگر را قبلاً دیده اند. [8] در 10 درصد موارد، مهاجم بیشتر از یک نفر است.

به اعتقاد «کوهن» [9] می توان تجاوزگران جنسی را از طریق ویژگی های عمومی نظیر احساس بی کفایتی و بی لیاقتی، خشم یا تمایلات جنسی غالب بر احساسات، شناسایی نمود. به اعتقاد او تجاوزگران جنسی برای رهایی از این موضوع که فردی را دستخوش تجاوز قرار داده اند، از مکانیسم فرافکنی [10] استفاده می کنند. آنها اغلب در مقابل نیازهای دیگران، حساس نیستند و احساس همدلی و صمیمیت نمی کنند و مقاومت آنها در برابر ناکامی ها بسیار ضعیف است، گرچه قوه ادراک، قضاوت و استدلال اکثر آنها سالم است، لیکن هنگامی که هیجانات آنان برانگیخته می شود، اعمال تباه کننده ای انجام می دهند. [11] در مطالعات اخیر، مردان متجاوز به چند گروه مجزا تقسیم شده اند:

1- آزارگران جنسی [12] که از درد کشیدن قربانی دچار تحریک جنسی می شوند.

2- مهاجمین بهره کش [13] که به طریق تکانشی، [14] قربانی را به عنوان یک شیء جهت ارضای جنسی خود استفاده می کنند.

3- مردان بی کفایت [15] که معتقدند هیچ زنی داوطلبانه با آنها ازدواج نخواهد کرد و مدام در تخیلات جنسی خود غرق هستند.

4- مردهایی که تجاوز به عنف از طرف آنها، جابجایی در خشم و غضب است. برخی عقیده دارند که این خشم قبلاً متوجه همسر یا مادر بوده است. فمینیست ها معتقدند که متجاوز نمی تواند پرخاشگری خود را به طور مستقیم نسبت به مردان دیگر ابراز کند، به همین جهت این پرخاشگری، جابجا می شود و زنان را آماج حمله قرار می دهد. [16]

هر چند برخی از مردان و پسران جوان، توسط مردان دیگر مورد تجاوز واقع می شوند، اما زنان، قربانیان اصلی آزارهای جنسی هستند و درصد تجاوز به مردان نسبت به باشد. [17] در مواردی که متجاوز یک زن بسیار ناچیز است. قربانیان در تمام گروه های سنی مشاهده می شوند، ولی بیشترین خطر برای سنین 16 تا 24 سال می باشد، تجاوز در اطراف محل سکونت قربانی و معمولاً داخل یا نزدیک خانه زن صورت می گیرد و اکثر موارد، با نقشه قبلی انجام می نافر است و از آشنایان قربانی می شود. [18] اما تجاوزات گروهی معمولاً در مکان هایی که متجاوزین از قبل در نظر گرفته اند نظیر خرابه ها، باغات دور افتاده، منزل خالی یکی از متجاوزین و ... انجام می گیرد.

ویژگی زنان بزه دیده

- پناهندگان اخراجی

زنانی که به صورت غیر قانونی وارد یک کشور دیگر می شوند، احتمالاً توسط مقامات قانونی مورد تعرض واقع می شوند، زیرا کمتر احتمال دارد که شکایت کنند.

- بیماران روانی

یک دسته دیگر از زنان قربانی، به لحاظ عقلی دارای نقصان بوده یا بیماری روانی دارند. تحقیقی در فرانسه نشان می دهد که زنان اسکیزوفرنی سه برابر بیشتر از زنانی که دارای بیماری اختلال خلقی دوقطبی [19] بودند و دو برابر بیش از سایرین، قربانی تجاوز جنسی واقع شده اند. [20] همچنین بسیاری از زنانی که مبتلا به بیماری اسکیزوفرنی بودند، به کرات مورد تجاوز واقع شده اند، وضع روحی آنان به مراتب بدتر گردیده است. [21]

- دختران فراری و زنان خیابانی

درصد نسبتاً بالایی از قربانیان تجاوز، زنان و کودکان خیابانی هستند. از آنجا که این دسته از زنان و کودکان بی سرپرست، فاقد حامی و سرپناه می باشند، لذا طعمه سوءاستفاده گران گردیده اند. یک تحقیق در کشور ایران در مورد افسردگی و سوء استفاده جنسی از کودکان خیابانی منطقه ۱۲ شهرداری تهران، نشان می دهد که میانگین سنی این کودکان ۶ تا ۱۷ سال بوده است و ۵۶ نفر از آنها پسر و ۳۱ نفر، دختر بودند. در این تحقیق، ۲۰ درصد کودکان خیابانی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته بودند و اغلب سوءاستفاده کنندگان، غریبه بوده اند. [22]

دختران فراری، به دلیل نداشتن سرپناه و حامی جدی و ترس از مراجعه به مراکز قانونی، به جهت اجبار آنها در بازگشت به خانه و زنان روسپی به دلیل سوء سابقه اعتیاد، بسیار آسیب پذیر می باشند و جوانان ولگرد با آگاهی از این وضعیت، آنها را تهدید کرده و مورد تجاوز قرار می دهند.

الف)- برحسب تعداد متجاوزین

انواع تجاوز به لحاظ تعداد متجاوزان جنسی، به صورت فردی و گروهی اتفاق می‌افتد:

- تجاوز فردی

گاهی متجاوز به تنهایی اقدام به تجاوز می‌نماید. معمولاً این نوع تجاوز به دلیل هوسرانی فرد انجام می‌شود و فرد متجاوز اغلب قربانی را می‌شناسد و با او سابقه‌آشنایی دارد و معمولاً فردی کوچکتر از خود را برای تجاوز انتخاب می‌کند، البته در مواردی انگیزه تجاوز فقط میل جنسی نیست و اهداف دیگری هم وجود دارد.

- تجاوز گروهی

در موارد زیادی، متجاوزین در قالب باند و گروه، قربانی را ربوده و سپس به صورت دسته‌جمعی او را مورد تعرض قرار می‌دهند. در سال‌های اخیر، اخبار این نوع تجاوز، افزایش داشته است. [23]

ب)- برحسب شدت اعمال خشونت

تجاوز جنسی برحسب شدت اعمال خشونت، به سه نوع ذیل تقسیم می‌شود: [24]

- تجاوز با قدرت

بیش از 50 درصد از تجاوزات شامل تجاوز به همراه قدرت می‌شود. در این تجاوز، زمینه تعرض، از پیش تدارک دیده شده و فرد متجاوز معمولاً تخیلات مربوط به تجاوز جنسی را قبل از ارتکاب جرم داشته است و پس از دستگیری نیز به همین موضوع اعتراف می‌کند. انگیزه این افراد نشان دادن قدرت از طریق تجاوز جنسی است و قصد ایجاد صدمات آشکار به قربانی را ندارند. در این موارد، متجاوز اقدام به ربودن قربانی کرده و وی را برای مدتی زندانی می‌نماید و طی این مدت، مکرراً او را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

- تجاوز با خشم

تجاوز با خشم [25] از لحاظ شیوع، مقام دوم را در بین انواع تجاوز دارد. در این نوع تجاوز، متجاوز، تکانشی و دمدمی مزاج [26] است و قربانی تجاوز را مورد بدرفتاری جسمی قرار می‌دهد. هدف روانی متجاوز، سرافکنندگی و تحقیر قربانی بوده و انگیزه وی، خشم و نیاز به انتقام [27] است. در این نوع تجاوز، فرد متجاوز احساس می‌کند که نسبت به وی بی‌انصافی شده است، لذا می‌کوشد که خشم و عصبانیت خود را بر قربانی وارد کند، زیرا او را سهل‌الوصول‌ترین کسی می‌داند که می‌تواند آماج تیرهای خشم و غضب خود قرار دهد.

در تجاوز دگرآزاری [28]، متجاوز با وارد آوردن صدمات فجیع و وسیع، می‌تواند منجر به مرگ قربانی شود. در سال 1991 حدود 2 درصد از کل موارد قتل زنان در آمریکا، با تجاوز جنسی همراه بوده است، این نوع تجاوز، از پیش برنامه‌ریزی شده و شامل شکنجهٔ بیش از حد و مثله کردن [29] قربانی بود.

ج)- بر حسب میزان آشنایی متجاوز با قربانی

- تجاوز توسط آشنایان

در بسیاری از موارد، متجاوز برای قربانی آشناست، این نوع تجاوز در کشورهای پیشرفته و در بین دانشجویان شیوع بیشتری دارد. ممکن است در نخستین دیدار یا پس از ماهها آشنایی، تجاوز جنسی صورت گیرد. مدارک قابل توجهی از این نوع تجاوز به عنف، از محیط‌های دانشجویی آمریکا جمع آوری شده است. مطابق نتایج مطالعه ای در آمریکا، 38 درصد از دانشجویان پسر اظهار داشتند که در صورت فرار از مجازات، اقدام به تجاوز جنسی خواهند نمود. 11 درصد اظهار نموده‌اند که قبلاً مرتکب تجاوز شده‌اند. 16 درصد از دانشجویان دختر گزارش کردند که قبلاً از سوی مردی آشنا مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. بسیاری از دانشگاه‌ها و کالج‌ها در آمریکا، برنامه‌هایی را برای پیشگیری از تجاوز به عنف و مشاوره برای قربانیان طراحی کرده‌اند. [30]

- تجاوز توسط محارم

بدترین نوع تجاوز، تجاوز جنسی توسط محارم همانند پدر، برادر، و... می‌باشد که عواقب بسیار بد روانی بر متجاوز و قربانی دارد. سازمان بریس [31] در سوئد طی گزارشی اعلام کرد: «حدود 6 مورد از 10 مورد تجاوزات، در محیط خانه و توسط پدر بیولوژیک دختر صورت می‌گیرد و در اغلب موارد، مادر یا مادر خوانده از موضوع آگاه است، اما هیچ کاری انجام نمی‌دهد و هیچ دخالتی نمی‌کند.» رسانه‌های گروهی سوئد اغلب به موضوع عوامل کتک زدن بچه‌ها توجه می‌کنند و سوء استفاده جنسی از بچه‌ها کما بیش به فراموشی سپرده شده است. [32]

در ایالات متحده آمریکا، پژوهش‌های زیادی از اواسط دههٔ 1970 دربارهٔ تجاوز جنسی انجام گرفته است که فراگیر بودن سوء استفاده جنسی و زنا با محارم را تأیید می‌کند. [33] مطابق گزارشات آماری 60 درصد از تجاوزها توسط مردان آشنا، همسایه و فامیل صورت می‌گیرد. تجاوز برادر، پدر، عمو و دیگر افراد فامیل به دختران جوان معضلی شناخته شده در اکثر کشورهای غربی است. [34] پدرانی که مرتکب تجاوز به دختران خود می‌شوند، غالباً در دوره کودکی، دارای سابقه بهره‌کشی جنسی، محرومیت عاطفی، اختلالات شخصیتی، مصرف الکل و بیکاری بوده‌اند که عزت نفس پایین و خشم، آنها را به افرادی متجاوز تبدیل کرده است. [35]

- دروغ و فریب

در مواردی، شخص متجاوز برای فراهم کردن زمینه مناسب جهت تجاوز جنسی، ابتدا با بزه‌دیده طرح دوستی می‌ریزد و به وی اظهار محبت می‌نماید، حتی به او قول ازدواج می‌دهد و به محض آنکه زمینه آماده گردید، چهره واقعی خود را آشکار می‌سازد. [36] شیوه معمول جهت تجاوز جنسی به کودکان نیز با بهره‌گیری از فریب و دروغ می‌باشد. [37]

- تهدید به آبروریزی

در موارد زیادی، فرد متجاوز برای آنکه بتواند از شکایت قربانی جلوگیری کند و او را خلع سلاح نماید، قربانی را عریان کرده و از او عکس می‌گیرد. [38] در این موارد، قربانی عموماً متجاوز را می‌شناسد و حتی با او سابقه آشنایی و دوستی یا رابطه خانوادگی دارد.

- سوء استفاده از موقعیت شغلی

یکی از شایع‌ترین راه‌های تجاوز، سوء استفاده از موقعیت شغلی است که به صورت زیر گزارش شده است: - بعضی از کارفرمایان و مدیران (به ویژه در شرکت‌های خصوصی) کارمند یا منشی خود را مورد آزار جنسی قرار می‌دهند که این امر، معضل بزرگی برای زنان جوانی است که در شرکت‌های خصوصی کار می‌کنند.

- مورد دیگر سوء استفاده مقامات پلیس در تجاوز به زنان پناهنده اخراجی می‌باشد. [39]

- برخی از درویش‌ها نیز به بعضی از مردان زن خود تجاوز کرده‌اند.

- یکی از راه‌های ربودن زنان و دختران جوان، جعل عناوینی همچون مأمور ارشد یگان نظامی یا ماموران انتظامی و ... می‌باشد. [40]

- تهدید مسلحانه

معمولاً ربودن دختران به چند شیوه انجام می‌گیرد، گاه با استفاده از سلاح سرد مثل چاقو یا قمه، قربانی را تهدید به قتل کرده و او را مجبور می‌کنند تا از دستورات آنها پیروی کند [41]. گاهی نیز با خودرو و به عنوان مسافرکش در شهر به دنبال قربانیان تجاوز می‌گردند و از میان مسافران، طعمه‌های خود را شناسایی می‌نمایند و با همدستی چند جوان شرور، قربانی را به مناطق خاصی انتقال می‌دهند. [42] این نوع تجاوز در اغلب اوقات به صورت گروهی (در قالب باند) انجام می‌شود. نمونه‌هایی همانند باند کرکس یا باند ابلیس و ... را می‌توان به عنوان مثال ذکر کرد؛ [43] اما مواردی هم گزارش شده است که فردی به تنهایی و با استفاده از خودروی شخصی خود اقدام به آدم‌ربایی و تجاوز نموده است. [44]

- استفاده از مواد خواب آور

یکی از طرق بسیار شایع، استفاده از مواد خواب آور، بیهوش کننده یا مست کننده است که البته این روش در کشورهای پیشرفته شیوع بیشتری دارد. بر پایه تحقیقی که در یکی از بیمارستان‌های سوئد صورت گرفته است، 1/3 زنان قربانی، پیش از تجاوز، مواد خواب آور و بیهوش کننده نوشیده‌اند [45].

اخیراً استفاده از قرص‌های نشاط آور در مهمانی‌ها و پارتی‌های مختلط افزایش یافته است و افراد ناباب برای ربودن افراد، سرقت و تجاوز از این مواد استفاده می‌کنند.

شناسایی زمینه‌ها، انگیزه‌ها و علل تجاوز جنسی، می‌تواند در خصوص ارائه راهکارهای پیشگیرانه، مقابله‌ای و بازتوانی بزده‌دیده‌ها مؤثر واقع شود. در این نوشتار علل تجاوز جنسی با رویکرد روانشناختی و جامعه‌شناختی تبیین شده است.

الف- علل روانشناختی

بر مبنای تحلیل‌های روانشناختی، تجاوز جنسی شکل طبیعی ارضای جنسی نیست، لذا ریشه این رفتار را باید در لایه‌های روانی افراد جستجو نمود. براساس تحقیقی در آمریکا، 44 درصد تجاوزات به عنف، با انگیزه میل به پیروزی بوده است. 21 درصد تجاوزها، از سوی افرادی بوده است که نسبت به احساس نرینگی خود تردید داشته‌اند. در 5 درصد موارد، تجاوز جنسی شکل افراطی رفتار سادیسمی است که منشاء آن خشونت است. [46]

- عقده‌های جنسی از دیگر علل روانشناختی است که می‌تواند بر اثر شکست در ازدواج یا ناکامی در آرزوهای دوران جوانی باشد. [47]

- گاهی تجاوز جنسی، ریشه در تخلیه خشم و انتقام جویی دارد. زنانی که فرد متجاوز را تحقیر یا توهین می‌کنند، او نیز برای جبران تحقیر و گرفتن انتقام، یا اقدام به تجاوز می‌کند یا فردی را تشویق به تجاوز می‌نماید. [48]

- گاه فرد متجاوز، از جنس مؤنث یا از تیپ خاصی از زنان نفرت دارد. در این شرایط خطرناک‌ترین نوع تجاوز جنسی اتفاق می‌افتد که اغلب منجر به کشتن قربانی می‌شود. 30 درصد از تجاوزات به عنف، از نفرت تعمیم یافته نسبت به جنس زن سرچشمه گرفته است. [49]

از نظر روانشناسان، متجاوزین گروهی دارای خصوصیات نظیر نامنی، [50] عدم بلوغ [51]، ترس از بی‌کفایتی جنسی، [52] نیاز به تحمیل سلطه پذیری [53] برای ارضای میل قدرت می‌باشند. [54]

در اعترافات باند کرکس (که به صورت دسته جمعی اقدام به ربودن دختران و تجاوز به آنان می‌کردند) ذکر شده است: اگر زنی در برابر ما عکس العمل نشان نمی‌داد، او را ترک می‌کردیم. ما دنبال زنانی بودیم که در برابر ما مقاومت می‌کردند و با التماس می‌خواستند که به آنها تجاوز نکنیم. ما این طور احساس غرور می‌کردیم و آنها را مورد آزار و دستبرد قرار می‌دادیم. [55]

ب- علل فرهنگی

- دیدن فیلم‌های خشن جنسی

بی‌تردید دیدن فیلم‌های خشونت آمیز جنسی، نگرش و بینش بینندگان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد [56]. مشاهده صحنه تجاوز می‌تواند در تشویق به تجاوز نقش داشته باشد. در بازرسی از منازل متجاوزین، وجود مشروبات الکلی، مواد مخدر، فیلم‌ها و سی‌دی‌های مستهجن، به وفور دیده می‌شود. [57] امروزه باند‌های فحشا در کشورهای غربی، صحنه‌های تجاوز به دختران و کودکان را به صورت مستند و واقعی فیلمبرداری می‌کنند و در معرض فروش می‌گذارند، این کار تأثیر زیادی در تغییر اخلاق و روحیات تماشاچیان دارد. به عنوان نمونه طی یک عملیات پلیسی در آمریکا، دانمارک، هلند و بلژیک 20 نفر از اعضای یک باند «پدوفیل» [58] دستگیر شدند و عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از صحنه‌های تجاوز جنسی به کودکان 2 تا 14 ساله از منزل این افراد کشف شد. آنها با رد و بدل کردن این تصاویر بین یکدیگر، بازار داغی از عکس‌ها و فیلم‌های سکسی کودکان ایجاد کردند. [59]

از جمله پیامدهای سوء تماشای این فیلم‌ها، ترویج هوسرانی به صورت وحشتناک، آزارگرانه و انحرافی است که بر آزادی بی‌حد و حصر جنسی تأکید دارد.

یکی از عوامل اصلی تشکیل گروه های تجاوز جنسی، تقلید از خرده فرهنگ جوانان غربی، خصوصاً گروه های رپ [60] می باشد، هرچند وجود آمادگی و زمینه های خانوادگی و دوستان ناباب برای پذیرش این نوع خرده فرهنگ ها حائز اهمیت است.

- برتری جویی و قدرت نمائی مردان

قدرت نمائی یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب تجاوز جنسی است. تقریباً در ۵۵ درصد از موارد، تجاوز وسیله ابراز قدرت و تثبیت برتری فرد مهاجم بوده است. مردان متجاوز با تحقیر و آزار جنسی قربانیان، احساس برتری کرده و نیاز به مهم بودن خود را ارضا می کنند. [61] آنها می اندیشند که قدرشان کاهش یافته و در تمامی امتیازات اجتماعی، زنان با آنان به رقابت برخاسته اند. لذا به دنبال اثبات برتری خود هستند و با انگیزه تحقیر جنس مخالف اقدام به تجاوز می کنند. [62]

- شیء انگاری زنان

یکی از عوامل مؤثر در اقدام به تجاوز به عنف، تفکر شیء انگاری در مورد زنان می باشد. امروزه، در فیلم ها و رسانه های غربی، زن به صورت کالایی مطلوب و جذاب به تصویر کشیده می شود که همه می توانند و حق دارند طالب آن باشند. جذابیت تصویری زن برای فروش هر چیزی از سیگار گرفته تا قطعات یدکی اتومبیل استفاده می شود. این تصور درباره زنان که آنان باید مردان را به خود جلب کنند و مردان از نظر جنسی فعال، متجاوز و اسیر «شهوت غیر قابل کنترل» خویش هستند و حق دارند به دنبال زنان باشند و زنان را یا با حیله و تزویر یا با زور و سرقت تصاحب کنند و بعد مثل کالایی مصرف شده دور بیاندازند، می تواند موجب افزایش تجاوز جنسی علیه زنان شود. متأسفانه با گسترش مدرنیته این طرز تفکر هر روز عرصه های بیشتری را به خود اختصاص می دهد؛ بنابراین جهان هر روز شاهد جفای بیشتری به زنان خواهد بود.

- تغییر ارزش های دینی

یکی از عوامل مهم جلوگیری از جرم در جوامع دینی، پایبندی به ارزش ها و اعتقادات دینی است. با تغییر ارزش ها از ارزش های دینی به سوی ارزش های مادی و لیبرالی، قدرت دین به عنوان بازدارنده قوی فرو می ریزد. افراد نسبت به مسائل دینی بی اعتقاد می گردند و انواع انحرافات اخلاقی، به وفور در بین آنها به چشم می خورد. در ایران با توجه به شواهد می توان ادعا نمود که مصرف الکل در بیش از 80 درصد تجاوزات جنسی نقش دارد، اعترافات اکثر باند های تجاوز جنسی نشان می دهد که متجاوزین قبل از تجاوز، اقدام به شرب خمر می کنند.

همچنین در جامعه ای که بر اثر سستی اعتقادات دینی و تغییر ارزش ها، خودآرایی و نمایش زیبایی های جسمی از طرف زنان و دختران به صورت یک هنجار و ارزش اخلاقی درآید، باید هر روز شاهد جنایات جنسی بی شماری بود.

ج- علل اجتماعی

- افزایش سن ازدواج

براساس آمارهای کنونی، میانگین سن ازدواج در سال 81-1380 تقریباً 2/5 سال افزایش یافته است، به طوری که میانگین سن ازدواج دختران به 25 سال و در پسران به 30 سال رسیده است. در حالی که ازدواج، نیازی طبیعی است، زمانی که این نیاز تأمین نشود، می تواند مشکلات و تبعات جبران ناپذیری از جمله تجاوز جنسی را برای فرد و جامعه به همراه آورد. وقتی این عامل در کنار عوامل تحریک کننده دیگر قرارگیرد و اعتقادات دینی جوانان تضعف شود، باید وقوع چنین معضلاتی را انتظار داشت.

امروزه دشمنان انقلاب اسلامی دریافته اند که انقلاب، با یک کودتا یا رفرم شکل نگرفته است تا با یک فشار سیاسی از میان برود، بلکه به اعتقاد یکی از تحلیل‌گران سیاسی خارج از کشور، این انقلاب بر مبنای ایدئولوژی مستحکم الهی و حضور عظیم مردم استوار گردیده و حکومت ایران جنبشی متکی بر ارزش‌های دینی است که مقابله با چنین انقلابی فقط از طریق فرهنگی امکان پذیر است. [63] بنابراین چندین کانال رادیویی و تلویزیونی مبتذل به زبان فارسی و با بودجه دولتی آمریکا برای تحریف اذهان نسل سوم انقلاب راه اندازی شده است، از طرف دیگر با وارد کردن انواع سی دی های مبتذل، تصاویر مستهجن، ایجاد و رواج گروه های رپ و... روز به روز جوانان را از دامان فرهنگ و اجتماع این مرز و بوم خارج کرده و انواع انحرافات اخلاقی را بین آنها رواج می‌دهند.

(د)- علل خانوادگی

- عدم رعایت حریم عفاف در مسائل جنسی والدین

اسلام در زمینه روابط زوجین توصیه های مهمی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

امام صادق(ع) فرمودند: «مرد نباید وقتی کودکی یا نوجوانی در اتاق باشد با زنش مقاربت کند، زیرا این امر موجب تمایل آنها به زنا می شود.» [64] در یک حدیث دیگر، امام صادق(ع) به نقل از رسول اکرم (ص) می فرماید: قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگر مردی در حالی که کودکی در اتاق بیدار است و آنها را می بیند و صدای نفس هایشان را می شنود، با همسرش همبستر شود، هرگز آن کودک رستگار نمی شود و در آینده منحرف خواهد شد.» [65]

کودکانی که شاهد صحنه های روابط جنسی والدین هستند، دوست دارند همان وقایع و جریان را به مرحله اجرا و عمل درآورند و تا مدت ها آن وقایع را در ذهن خود مرور کنند. البته گاهی این موضوع در ابتدا برای کودکان و در مواردی نوجوانان، معنای جنسی ندارد، ولی آنان از این صحنه ها عکسبرداری ذهنی کرده و در مواردی تقلید می نمایند. به تدریج عمل غیرجنسی آنها که اغلب تقلیدی است، به عملی جنسی و برای وصول به اهداف جنسی تبدیل خواهد شد که فرجام آن می تواند برای فرد و جامعه بسیار خطرناک باشد. [66]

بررسی های تجربی نیز نشان داده اند که مشاهده روابط غریزی، معاشقه ها و مغالزه ها می تواند سبب تحریک و بیداری جنسی کودکان شود و در شرایط مشابه، آنها را به وادی انحراف بکشاند.

یکی دیگر از مسائلی که زمینه ساز انحراف جنسی جوانان می باشد، آرایش و پوشش نامناسب مادر یا خواهر در نزد نوجوان یا جوان بالغ می باشد. هرچند آرایش زن و شوهر برای یکدیگر امری لازم و مورد توصیه اسلام می باشد، اما نکته قابل ذکر این است که در خانواده ای با فرزندان نوجوان یا بالغ، این آراستن ها بایستی به حداقل ممکن کاهش یابد و یا دور از چشم آنها اعمال گردد. زیرا دیدن این امور می تواند برای جوان تحریک کننده باشد. بررسی های علمی نشان می دهند که گاهی مادران، دانسته یا ندانسته در تحریک و انحراف فرزندان تأثیر دارند. [67]

- وجود سابقه اقدام به تجاوز در اطرافیان

اگر در خانواده ای حدود شرع رعایت نشود و اعضای خانواده یا اعضای فامیل دارای روابط بی بندوباری باشند، این صحنه ها تاثیر مستقیمی بر روح و روان کودک می گذارد، به ویژه اگر پدر یا یکی از اعضای فامیل، روابط جنسی نامشروع خود را برای دیگران تعریف کند و فرزند شاهد و شنونده باشد. این امر با توجه به الگوبرداری کودک و نوجوان از بزرگترهای فامیل یا خانواده می تواند تاثیر مستقیمی روی شخصیت او داشته باشد. گاهی کودک در یک محیط نگاه های زیرکانه و مخفی دارد، زمانی خود را به خواب می زند تا از واقعه ای سردرآورد، در مواردی به تماشای خود و دیگران مشغول می شود و حتی دوست دارد شاهد روابط دیگران باشد که حاکی از انحراف یا مقدمه ای برای انحرافات می باشد، در اینجا پدر الگوی نامناسبی برای پسر یا پسرانش خواهد بود، اگر در خانواده ای

پدر با دختر یا دخترانش رابطه نامشروع داشته باشد، پسر خود را درانجام این کار تقویت می‌کند. [68] چنانچه سخنان مشاور استاندار خوزستان [69] نمونه ای از تقلید برادر از پدر در تجاوز به دختر خانواده می باشد.

ه)- علل حقوقی

- عدم گزارش تجاوز از سوی قربانی

یکی از علل تداوم و گسترش این پدیده شوم، عدم مراجعه و گزارش قربانیان تجاوز به مراجع ذی صلاح می باشد، تجاوز جنسی، جرمی خشونت‌زا است که معمولاً گزارش آن، در مقایسه با سایر بزهکاری ها کمتر و ناقص تر است و در عین حال، در بین سایر بزهکاری ها از رشد سریع تری برخوردار می باشد. زنانی که مورد تجاوز قرار می گیرند، این احتمال را می دهند که بعد از افشای این راز، از سوی جامعه و خانواده و حتی نزدیکان خود طرد شوند و به آنان به عنوان یک فرد منحرف نگرسته شود. لذا بسیاری از آنها ترجیح می دهند که برای حفظ آبروی خویش این راز را تا آخر عمر برای خود نگهدارند. دخترانی که به این ترتیب مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، به خاطر ترس از آبرو، رבוده شدن خود را افشا نمی‌نمایند و همین موضوع باعث ادامه فعالیت جنایتکارانه متجاوزان می‌شود. [70]

عقیده بر این است که از هر 10 تجاوز جنسی، فقط یک مورد گزارش می شود. این تعداد، در زمانی که قربانی، فرد متجاوز را می شناسد، بسیار کمتر می شود. زیرا اغلب قربانیان از طرح این مسئله احساس شرم می کنند. [71] همچنین ممکن است آنان نخواهند آشنا یا خویشاوند خود را که مرتکب تجاوز شده است، تسلیم پلیس کنند و آن شخص تحت تعقیب قرار بگیرد یا زندانی شود؛ به این علت از ارائه گزارش تجاوز جنسی اکراه دارند و احساس شرمساری و بدنامی می کنند و ترجیح می دهند خود را وارد ماجرابی نکنند که موجب سرافکنندگی علنی می شود. [72] لذا اغلب زنان بزه‌دیده، موضوع را به مراجع قانونی اطلاع نمی دهند.

دلیل دیگر، تحقیری است که قربانی در جلسات محاکمه احساس می‌کند، برخی از قوانین و رفتارهای قضایی به گونه ای است که گویی قربانی تحت محاکمه است؛ قانون، برای پیشگیری از اینکه زنان کینه توز، کسی را به دروغ، متهم به تجاوز جنسی نکنند، سخت‌گیری می‌کند. [73]

در امریکا تنها نیمی از متجاوزان دستگیر می شوند و از هر 5 نفر دستگیر شده، تنها 3 نفر تحت تعقیب قرار می گیرند و تنها نیمی از مواردی که تحت تعقیب قرار می گیرند، به دادگاه احضار می شوند و در پایان نیز فقط یک مورد از شش موردی که به دادگاه می روند، محکوم می شوند. از سوی دیگر تحت تعقیب قرار گرفتن یک متجاوز، غالباً به معنای بازجویی وی در دادگاه به وسیله وکلای مدافع متخاصم و متهم شدن او به اغفال است. به جهت تعداد بسیار کم محکومیت متجاوزین، بسیاری از زنان امریکا در وهله اول از گزارش این بزه دلسرد می شوند؛ [74] اما در دو دهه اخیر، در کشورهای غربی تعداد گزارشات تجاوز جنسی، سریع‌تر از هر جرم یا خشونت دیگری ارائه می‌شود. [75]

و)- علل سیاسی

امروزه تجاوز به عنف، به عنوان یک تاکتیک جنگی است که از روی عمد، برای ایجاد رعب و وحشت و احساس عدم امنیت در شهروندان به کار گرفته می شود. از سوی دیگر دشمنان جمهوری اسلامی ایران، به دنبال مایوس شدن از شکست نظامی انقلاب، به خاطر پشتیبانی بی‌دریغ مردم، سعی دارند از طریق فرهنگی مردم را از انقلاب جدا کنند، از این‌رو از هر روشی، حتی اشاعه فحشا، گسترش فقر، تیره و تار جلوه دادن آینده، ایجاد ناامنی و... استفاده می‌کنند. از آنجا که یکی از اهداف جمهوری اسلامی، ایجاد امنیت اجتماعی به ویژه برای زنان ایرانی می‌باشد و از سوی دیگر ناامنی زنان در غرب همواره مورد نقد قرار گرفته است، بنابراین

دشمنان انقلاب می‌کوشند که امنیت اجتماعی زنان ایرانی را مخدوش نمایند، به همین جهت به دنبال هجوم فرهنگی، باند های تجاوز، اذیت و آزار زنان و دختران (کرکس، ابلیس، عقاب، خفاش شب و...) را در جامعه اشاعه می‌دهند.

از زمان‌های گذشته، تجاوز به زنان به عنوان پاداش و تفریح فاتحین جنگ محسوب می‌شود و زنان به عنوان کالا و غنیمت جنگی بوده و اغلب مورد تجاوز سردمداران جبهه مخالف و سایر سربازان قرار می‌گرفتند.

در دنیای مدرن امروزی، تجاوز به عنف، به صورت منظم [76] و سازماندهی شده، [77] به عنوان یک تاکتیک جنگی درآمده است. تجاوز جنسی به صورت فزاینده و از روی عمد برای ایجاد رعب و وحشت استفاده می‌شود. در جنگ ویتنام این روش به صورت بسیار گسترده ای اجرا شد. به طوری که یکی از تمرینات آموزشی ارتش آمریکا در جنگ ویتنام این بود: «این تفنگ من است (سرباز آمریکایی تفنگ ام-16 را بالا می‌گیرد)، این اسلحه من است (دستش را به روی آلت تناسلی اش می‌گذارد) یکی برای کشتن، دیگری برای لذت بردن. [78] در جنگ صرب‌ها در بوسنی و هرزگوین، طی سال‌های 1991-1994 بیش از 20/000 زن و دختر مسلمان به شکل وحشیانه و سازماندهی شده، در سطح بسیار وسیع مورد تجاوز واقع شدند تا اولاً مردم بوسنیایی دچار رعب و وحشت شده و سرزمین اجدادی خود را رها سازند و ثانیاً ناموس آنان حامله شده و اطفال صرب بدنیا آورند و نسل جدیدی درست کنند که از مسلمین نباشد. [79] در سرزمین فلسطین اشغالی، برای بیرون راندن فلسطینی‌ها از سرزمین‌شان فجایع بسیار زنده‌ای در دیرباسین (9 آوریل 1948) به وقوع پیوسته است و بسیاری از زنان فلسطینی بعد از تجاوز، به طرز فجیعی به قتل رسیده‌اند. چنانچه زفی آنکوری اعتراف کرده است که: «من در آن تاریخ وارد 6 یا 7 خانه شدم، دیدم که اعضای تناسلی زنان و امعاء و احشاء آنها قطعه قطعه شده و مباشرتاً به قتل رسیده‌اند.» [80]

ز- علل اقتصادی

یکی از انگیزه‌های تجاوز، مسئله سرقت طلا و جواهر قربانیان بوده است و عموماً طلا و جواهرات قربانیان، قبل از تجاوز به آنها سرقت می‌شود. [81] به طور نمونه:

– مرد 32 ساله‌ای که در طول دو سال 46 دختر بچه را در شهرستان مرودشت مورد آزار جنسی قرار داده بود، در اعترافات خود انگیزهٔ ربودن دختران را در وهله اول سرقت زیورآلات آنها و سپس وسوسه و آزار جنسی آنان، عنوان کرده است. [82] دو جوان دیگر نیز ضمن تجاوز به 9 زن و دختر جوان اراکی و به قتل رساندن آنها، جواهرات آنان را به سرقت برده‌اند. [83]

در خصوص دیدگاه های موجود در جرم شناسی دو دیدگاه در ادبیات جرم شناسی مطرح است. دیدگاه نخست بر نقش بزه دیده در فرآیند ارتکاب جرم تاکید می ورزد و معتقد است که مجنی علیه، یک رکن و عنصر حیاتی در ارتکاب جرم، به ویژه در وضعیت های خاص محسوب می شود: [84] دیدگاه دیگر بر مسئولیت قربانی در «پیدایش جرم» تاکید دارد. استفان اسکافر معتقد است که برخی از بزه دیدگان می توانند محرک و مشوق مجرمین باشند. امروزه تئوری های متعددی وجود دارند که به بیان علل بزه دیدگی ها و قربانی سازی ها می پردازند.

الف) تئوری سبک زندگی (شیوه زیستن)

مطابق دیدگاه سبک زندگی [85]، علل بزه دیدگی برخی افراد «شیوه یا سبک زندگی» آنان است که آنها را بیشتر در معرض تهاجم مجرمین قرار می دهد. برای نمونه مجرد زیستن، معاشرت با مردان جوان، رفت و آمد شب هنگام و زندگی در شهر های بزرگ از شیوه های زندگی است که نرخ بزه دیدگی زنان را افزایش می دهد. [86] همچنین پوشیدن لباس های تنگ و بدن نما اثرات نامطلوب و تحریک کننده ای در جوانان ذکور دارد [87] که این امر می تواند وسوسه اعمال خشونت برای ارضای میل جنسی را در آنها برانگیزاند. امروزه ربایندگان زنان و دختران به وسایل کامل تری مجهز شده اند، قبلاً موقعیت را دقیقاً زیر نظر گرفته و به صورت گروهی به سراغ شکار خود می روند و گاهی با کسب اطلاعات کافی از لحاظ طرز زندگی، ساعات عبور و مرور زنان و دختران آشنا و بیگانه، اقدامات لازم را به عمل می آورند و پس از ربودنشان، به اماکن مجهز و آماده انتقال داده و در معرض تجاوز و فروش قرار می دهند و با استفاده از امکانات کامل تری که در اختیار دارند، ابتدا آنها را زندانی کرده و به طور مخفیانه نگهداری می نمایند و در صورت مقاومت، با انواع شکنجه ها و تجاوز به عنف، فرد وادار به تسلیم نموده و به حرفه تن فروشی عادت می دهند. [88]

ب) تئوری اعمال روزمره

از نگاه تئوری اعمال روزمره، [89] اجتماع، انباشته از مجرمین برانگیخته ای است که آماده ارتکاب جرم می باشند. از این رو پایین بودن ایمنی و محافظت در برخی گونه ها، آماج های مناسبی را برای دست یازیدن به ارتکاب جرایم توسط چنین مجرمین بالقوه ای فراهم می کند. [90] طبق این نظریه، زنان به خاطر وضعیت ظاهری و روحی خاص خود، همواره در معرض قربانی شدن قرار دارند، زیرا همه مردان، مجرم بالقوه می باشند. در حالی که مطابق نظریه سبک زندگی، زنان خاصی که زمینه را فراهم می کنند، مستعد قربانی شدن هستند، اما طبق این نظریه، جنس زن ماهیتاً دارای خصوصیتی است که در معرض خطر قرار دارد. این خصوصیات ذاتی عبارتند از:

1)- وضعیت ظاهری زنان، خصوصاً زیبایی آنان نقش مهمی در قربانی شدن آنها دارد.

2)- زنان از نظر روحی دارای خصوصیات ویژه ای هستند، لطافت روحی و غلبه احساسات و عواطف در زنان باعث می شود تا تحت تأثیر عواطف خود قرار گرفته و در دام اغفال گران و اغواگران گرفتار شوند. [91] طبق این نظریه، زنان باید در هر شرایط و در هر مکانی، به فکر نکات ایمنی باشند و هیچگاه احتیاط را از دست ندهند.

در مسیر تکوین جرم و در نهایت قربانی شدن زنان، عوامل متعددی ایفای نقش می کنند، گاه علت وقوع جرم و بزه دیدگی، خود قربانی است، به این معنی که بزه دیده با اعمال و رفتار خود موجبات بزه دیدگی خود را فراهم می کند. به عبارت دیگر بین مجرم و قربانی او، یک واقعیت جرمشناسی وجود دارد و بزه دیده، یکی از عناصر و عوامل اصلی وقوع جرم است. در تعداد قابل توجهی از موارد، بزه دیده با رضایت، همکاری و یا حرکات تحریک آمیز و ... نقش اساسی در تکوین عمل مجرمانه ایفا می کند [92] و بزهکار بالقوه را برای ارتکاب جرم وسوسه و اغوا می کند، «برای مثال کشش جسمانی و روانی که به طور خودآگاه یا ناخودآگاه میان زن و مرد وجود دارد، فقط در مجرم وجود ندارد، بلکه این کشش از سوی زن نسبت به مرد هم وجود دارد که در بسیاری از موارد انگیزه او را در حمله جنسی تا اندازه ای فراهم می آورد. اغلب اوقات یک زن به طور ناخودآگاه تمایل دارد که به زور مورد تصرف قرار گیرد، این تمایل وسوسه آمیز در دختران جوانی دیده می شود که با پسرها دوست می شوند یا در نقاط خطرناک و غیرمعمولی قدم می زنند که امکان ربودن آنها زیاد است و بدین ترتیب به طوری خود را در معرض حملات جنسی قرار می دهند» [93]

خصوصیات و ویژگی های قربانیان جرم در سلسله اسباب و علل جرم، عامل مؤثری در گزینش قربانی توسط مجرم می باشد. بزهکاران بالقوه، سعی در انتخاب قربانیانی دارند که برای آنها زحمت کمتری داشته باشد. محققین عوامل گوناگونی را تشخیص داده اند که در گزینش قربانی توسط مجرم مؤثر می باشند. با ترکیب این عوامل، پنج طبقه کلی تشخیص داده شده است:

1- همجواری یا نزدیک بودن [94]

در اکثر جرائم جنسی، برقراری تماس فیزیکی و جسمی با قربانی ضروری است.

2- جاذب بودن قربانی [95]

جاذب بودن قربانی برای مجرم با نوع جرم و نوع مجرمین متفاوت خواهد بود. بعضی از آماج ها برای بعضی از مجرمین، جاذب و برای بعضی دیگر از مجرمین جاذب نیستند، در جرائم جنسی علیه زنان، جذابیت جسمی و دیگر ویژگی های شخص قربانی از عوامل مهم تعیین قربانی خاص می باشد.

3- قابلیت وصول و دسترسی [96]

قابلیت وصول و دسترسی نیز عامل مهم دیگری در گزینش قربانی خاص است. به طور نمونه زنی که در شب و به تنهایی در کوچه و خیابان های خاموش و تاریک قدم می زند، امکان دسترسی را برای مجرم به وجود می آورد.

4- قابلیت کنترل [97]

مجرمین در هنگام ارتکاب جرم امکان مقاومت قربانی را پیش بینی می کنند و سعی می کنند آماجی را انتخاب کنند که در صورت مقاومت او بتوانند او را کنترل کنند.

5- میزان خطر [98]

مجرمین هنگام طرح ریزی ارتکاب جرم، شانس موفقیت یا شکست را در رسیدن به هدف مجرمانه و نیز خطرات احتمالی آن در نظر می گیرند و قربانیانی را انتخاب می کنند که آسیب پذیر و بی دفاع باشند تا در صورت ارتکاب جرم، به راحتی از محل وقوع جرم فرار کنند [99].

تجاوز جنسی می تواند پیامد های متعددی برای قربانی و متجاوز داشته باشد که آسیب های جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی از جمله این آثار است.

1- ایجاد آسیب های جسمی

تجاوز، آثار زیان بار جدی بر سلامت جسمی قربانی دارد. بهره کشی جنسی از کودکان کم سال می تواند به تأثیر سوء و آسیب دائم در اندام های تناسلی، مقعد، دهان، گلو و حتی در موارد شدید به مرگ منجر شود. دختران و زنان جوانی که توسط محارم مورد تجاوز واقع می شوند، به شدت در خطر ابتلا به بیماری های مقاربتی به ویژه باکتری مهلبلی تریکوموناس، کلامیدیا و ایدز قرار دارند. [100]

برای مثال گزارشی از یک مرکز حمایت از قربانیان تجاوز در بانکوک (تایلند) اعلام می کند که ده نفر از مراجعین، مبتلا به یک بیماری مقاربتی، حاصل از تجاوز هستند. در ایالات متحده، گزارشاتی مبنی بر خشونت جنسی، تجاوز و افزایش آلودگی به HIV در بین زنان و کودکان ارائه شده است. [101]

قربانی ممکن است در جریان تجاوز به عنف، به انواع بیماری های مقاربتی نظیر ایدز، سوزاک، سفلیس و ... مبتلا شود، همچنین زنانی که تجاوز جنسی را تجربه کرده اند، احتمالاً در آینده به درد مزمن لگن خاصره، درد شکم، نشانگان دفع تحریک و بدکاری جنسی دچار می شوند. خاطره تجاوز همراه با آسیب جسمی ممکن است به بروز انواع بیماری های زنان منجر شود. همچنین زنانی که سال های باروری خود را می گذرانند، ممکن است در خطر بارداری ناخواسته قرار گیرند. [102]

تجاوز به عنف، اغلب همراه با جرائم دیگر رخ می دهد. متجاوزان تقریباً همیشه قربانیان را با مشت، چاقو یا اسلحه تهدید می کنند و اغلب، به طریق غیر جنسی و جنسی صدمه می زنند. قربانیان ممکن است کتک بخورند، مجروح یا کشته شوند. [103] تجاوز جنسی معمولاً به آسیب های جسمی منجر می شود. نشانه های بدنی بعد از تجاوز شامل اختلالات خواب، دل آشوبی (بیشتر به صورت تهوع) سردرد و درد عضلانی اسکلتی (در اثر تنش)، آزدگی واژن و درد رکتوم در بیشتر از 5 درصد قربانیان مشاهده می شود. [104]

2- ایجاد بیماری های روانی

اغلب زنانی که مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند، دچار اختلالات هیجانی یا روحی می شوند، حتی اگر بکوشند به زندگی خود ادامه دهند و نسبت به این رخداد واکنش نشان ندهند و احساسات خود را انکار کنند، این اختلالات روحی مشاهده می شود. در برخی موارد، زنان بزه دیده دچار احساس شرم، [105] تحقیر، [106] گنجی و سردرگمی، [107] ترس، خشم، غضب، [108] عدم امنیت، اضطراب و افسردگی، بی خوابی، کابوس، بیزاری از آمیزش جنسی و احساس بی حرمتی و فقدان کنترل بر بدن می شوند. این پدیده ها ممکن است ماهها یا حتی سال ها بعد از تجاوز ادامه پیدا کند. از سوی دیگر هر رویدادی که تجاوز جنسی را در ذهن زن تداعی کند یا او را به این فکر بیاندازد که بر زندگی خود کنترل ندارد، می تواند احساسات فوق را در فرد برانگیزد. [109] زیرا زن در جریان تجاوز به عنف، در وضعیت وحشتناک و مرگباری قرار می گیرد و حالت شوک و ترس پیدا می کند. [110] بسیاری از زنان بزه دیده نیز احساس می کنند که خودشان به نوعی در تجاوز جنسی مسئول بوده اند، در نتیجه ممکن است احساس گناه و بی ارزشی کنند. [111] قربانیان تجاوز جنسی همچنین با مشکلات سازگاری از جمله ترس زیاد از خیابان، احساسات منفی نسبت به مردان ناآشنا، روابط آشفته با افراد ناهمجنس، احساس ناامنی، ترس از تنها ماندن در خانه... مواجه هستند. [112]

3- آسیب های خانوادگی

در بیشتر اوقات، خانواده قربانیان همانند خودشان بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. بسیاری از زنان با نشانه‌های اختلال یا «استرس پس از آسیب» [113] مواجه می‌شوند و زندگی جنسی آنها تقریباً از هم می‌گسلد و بسیاری از قربانیان نسبت به روابط جنسی، هراس پیدا می‌کنند و یا دچار نشانه‌هایی مانند واژینیسم [114] می‌شوند. بیش از نیمی از قربانیان، مشکل زیادی در برقراری مجدد روابط جنسی و عاطفی با همسر خود دارند، این موضوع در زنانی که از لحاظ جنسی فعال نیستند، اثر منفی شدید تری می‌گذارد. [115] شوهری که همسرش مورد تجاوز قرار گرفته است احتمالاً دید منفی نسبت به همسرش پیدا می‌کند و او را همچون فرد «سقوط کرده» یا «آلوده» می‌داند، مردان فامیل، در زمانی که زن واقعاً به محبت و حمایت نیاز دارد، به طور غیرارادی با خشم یا غضب به او پاسخ می‌دهند یا ترجیح می‌دهند که به محض رفع مشکلات جسمی زن بزه‌دیده، زندگی عادی خود را پیش گیرند و به نیاز زن برای صحبت کردن درباره احساساتش توجه نکنند [116].

از سوی دیگر هیچ یک از نزدیکان زنان بزه‌دیده، نمی‌دانند که چگونه باید با آنها برخورد کنند تا قربانی بتواند به زندگی عادی خود بازگردد. در بسیاری از موارد زنی که مورد تجاوز قرار گرفته، سعی می‌کند که هیچ یک از اعضای خانواده قضیه را با خبر نشود، زیرا احتمال می‌دهد که آنها وی را عامل تجاوز جنسی بدانند، در این حال معمولاً آسیب‌هایی که به زن وارد شده است، نادیده گرفته می‌شود.

4- آسیب‌های اجتماعی

- افزایش انحرافات اجتماعی

کودکانی که توسط محارم مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، بسیار بیشتر از دیگران به فحشا کشیده می‌شوند. نتایج تحقیقی در مورد زنان روسپی تهران، نشان می‌دهد که 22/5 درصد از زنان مورد مطالعه در بسیاری از اوقات به وسیله محارم و در سنین 5 سالگی مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته‌اند. [117] از سوی دیگر بچه‌هایی که توسط نزدیکان بزرگسال خود مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته‌اند، معمولاً به دلیل علاقمندی به محارم، خود را گناهکار و مقصر می‌دانند. بنابراین خودکشی و خودزنی با تیغ و یا اشیاء برنده دیگر در میان این دسته از دختران بسیار مشاهده می‌شود. [118]

- قتل توسط بستگان

یکی دیگر از پیامدهای تجاوز در جوامع سنتی، قتل بزه‌دیده توسط بستگان نزدیک نظیر همسر، پدر یا برادر می‌باشد. این امر در استان‌های مرزی ایران که دارای بافت‌های سنتی می‌باشند، از شدت بیشتری برخوردار است. چنانچه در استان خوزستان در فاصله بین ابتدای فروردین تا اواخر اردیبهشت ماه سال جاری، تنها در یک طایفه، حدود 45 مورد قتل ناموسی، زیر 20 سال صورت گرفته است. [119] در جامعه ایرانی به جهت غیرت و تعصب شدید نسبت به دختران، قربانی شدن دختر، مساوی با سوء ظن نسبت به او می‌باشد. بنابراین پدر، عمو، برادران و پسران عمو، برحسب سنت، حکم قتل دختری را که به او تجاوز شده یا در مظان اتهام است، بدون محاکمه اجرا می‌کنند. در تحقیقی که درباره زنان به قتل رسیده در اسکندریه مصر به عمل آمد، نشان داد که 47 درصد از مقتولین، قربانیان تجاوز بودند که به دست خویشاوندان نزدیک خود به قتل رسیده‌اند. [120]

- طرد از جامعه

مهمترین پیامد قربانیان تجاوز، رانده شدن از اجتماع می‌باشد. به اعتقاد عموم، زن پس از تجاوز، کالای صدمه دیده‌ای می‌باشد که از جامعه اخراج شده است و جایی برای رفتن ندارد. واقعیت تلخ تر این است که مردان به جای آنکه حامی و پشتیبان قربانی برای گذر سریع تر و صحیح تر وی از مراحل بهبودی و تجدید ساختار جسمی - روانی باشند، با بینش و نگرش خاص، ناعادلانه و غیر منطقی، نسبت به «فرد آسیب دیده» رفتار می‌کنند. دختران آسیب‌دیده از سوی پدران مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و از خانه اخراج می‌شوند یا برای مدتی در خانه زندانی می‌گردند. گاه عکس العمل برادران شخص قربانی، شدید تر

بوده و به قتل قربانی توسط آنها منجر می‌شود. شوهر نیز ممکن است زن بزه‌دیده را سهل انگار، بی اراده، خیانتکار، اغواگر و ضعیف بداند و مورد تنفر، سرزنش، طعنه و کنایه های خویش قرار دهد. [121]

- سقوط در ورطه فحشا

بسیاری از دخترانی که به جهت شرایط نامساعد خانه فرار می کنند، معمولاً در دام سودجویان قرار گرفته و قربانی تجاوز می شوند، نهایتاً مجبور به فحشا می شوند. [122] همچنین دخترانی که در سنین کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، به فحشا گرایش پیدا می‌کنند. پژوهشگران دانشگاه براون دریافتند مردان و زنانی که در دوران کودکی یا نوجوانی مورد تجاوز به عنف قرار گرفته‌اند، چهار بار بیشتر از افراد دیگر به فحشا روی می‌آورند. همچنین آنها دو برابر بیشتر از سایرین دست به روابط متعدد در هر سال می‌زنند و درگیر روابط جنسی، لاپالای‌گری و بی‌قید و بندی می‌شوند. [123]

پیشگیری و مقابله

1- راهبردهای فرهنگی

- ترویج ارزش های دینی

جایگزینی ارزش های غیر دینی، به جای ارزش های دینی، انواع انحرافات از جمله تجاوزات جنسی را گسترش می‌دهد. هرچه اعتقادات مردم نسبت به معنویت کم رنگ تر شود، به همان نسبت نیز گرایش به انحرافات اخلاقی در بین آنها زیادتر خواهد شد. لذا مصلحان و دلسوزان جامعه باید به احیای ارزش های دینی همت گمارند.

- ترویج حجاب کامل اسلامی

یکی از عوامل مؤثر در تحریک متجاوزان جنسی، وضع پوشش و رفتار قربانی است. اغلب قربانیان، ملاک های پوشش و رفتار را رعایت نمی‌کنند و با آرایش های تند و پوشش نامناسب در بیرون از منزل، زمینه و انگیزه تجاوز جنسی را فراهم می‌نمایند و با این عمل، امنیت سایر زنان را نیز به مخاطره می‌افکنند. در قرآن مجید، رعایت موازین پوشش، جهت حفظ امنیت، آرامش و آسایش زنان سفارش شده است. [124]

«ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو با جلباب، گردن و سینه خود را بپوشانند تا بدین وسیله معلوم شود که اینان اهل عفت و سداد و صلاح هستند تا از آزار و اذیت اوباش در امان بمانند.» [125]

همچنین در مواجهه با این ناهنجاری اجتماعی، نخست به زنان مؤمن دستور می‌دهد که هرگونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده جویان و اوباش بگیرند، سپس با شدیدترین تهدید می‌فرماید: «اگر کسانی که در دلشان مرض هست، [126] دست از کار خود برندارند، تو را بر ضد آنها می‌شورانیم، پس در آن وقت، جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.» [127] درواقع مطابق آیات قرآن کریم، گام اول رعایت حدود پوشش از سوی زنان مؤمن است و سپس چنانچه افراد لاپالای، بی‌پروا، اذیت و آزار نمودند، آنان را مطابق احکام اسلامی به اشد مجازات محکوم می‌نماید و بهانه را از دست افراد فاسق می‌گیرد. مطابق فرامین دینی، زنان مسلمان باید در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی‌اعتنا نباشند و به گونه‌ای عمل نمایند که توجه افراد هرزه را جلب کنند.

- پوشاندن زینت آلات از دید نامحرمان

انگیزه برخی از متجاوزین، سرقت زیور آلات قربانیان است، به همین جهت پوشاندن زیور آلات در بیرون از منزل، علاوه بر اینکه یک واجب شرعی است، گامی در جهت افزایش ضریب امنیت اجتماعی زنان می‌باشد، چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «به زنان مؤمن بگو زینت هایشان را آشکار نکنند، مگر آنچه که به

خودی خود آشکار است» [128]. به نظر بسیاری از مفسرین «زینتَن» جواهرات و زینت آلاتی است که زنان استفاده می کنند. البته طبیعی است که آشکار کردن زینت آلات توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد. [129]

2- راهبردهای اجتماعی

- تسهیل ازدواج

با توجه به گزارشات دادگاهها، اکثر جوانان متجاوز مجرد می باشند؛ لذا والدین و حکومت دینی باید تلاش کنند تا از طرق مختلف، جوانان را تشویق به ازدواج نمایند و زمینه‌های این امر را فراهم کنند.

- کاهش عوامل تحریک‌زا

استدلال لیبرال‌ها در ارائه آزادی‌های بی‌حد و حصر این عبارت است که «انسان نسبت به چیزی که منع می‌گردد، حریص تر می‌شود»، [130] بر همین اساس معتقدند که در صورت برداشتن حریم‌های دینی در روابط نامحرم، مردان نسبت به جنس مخالف بی‌تفاوت خواهند شد. در پاسخ به چنین تفکری باید اذعان نمود که وضعیت امروز غرب و رشد سرسام آور تجاوز جنسی در کشورهای اروپایی و امریکا، عکس این فرضیه را ثابت می‌نماید. امروزه اثبات گردیده است که هرچه عوامل تحریک‌کننده شهوات زیاد تر باشند، میزان جرائم جنسی افزایش خواهد یافت؛ بنابراین مطابق شریعت مقدس اسلام، باید عوامل تحریک‌زای جنسی را در محیط کار و اجتماع کاهش داد.

3- راهبردهای فقهی - حقوقی

رالف گاروفالو، روانشناس و درمانگر متجاوزین جنسی معتقد است:

«اگر مردان فکر کنند که می‌توانند از مجازات در امان بمانند، حتماً مرتکب تجاوز جنسی خواهند شد. متجاوز جنسی معمولاً یک آدم غیر عادی نیست؛ بلکه تفاوت اساسی او با مردان عادی این است که افراد طبیعی برای امیال خود راه مقبولی می‌یابند، حال آنکه متجاوزین جنسی همه ملاحظات اخلاقی و قانونی را نادیده می‌گیرند». [131]

بر اساس گفته این روانشناس، باید قوانین خشنی برای برخورد با این معضل اجتماعی تصویب شود، اما در اکثر جوامع غربی، مجازات این جرم بسیار سبک است، بدین جهت دامنه این جرم در کشورهای اروپایی و آمریکایی روز به روز گسترش می‌یابد. در قانون جنایی آلمان، جرم کسانی که به زندانیان تجاوز می‌کنند، نهایتاً پنج سال حبس یا پرداخت جریمه مالی می‌باشد. [132]

در دین اسلام برای چنین عملی، مجازات بسیار سنگینی تعیین شده است. [133] لحن احادیث نیز در این خصوص بسیار جدی و قاطع است. در وسائل الشیعه، 6 حدیث معتبر در این خصوص نقل شده است، 4 حدیث تصریح می‌کند که متجاوز (مجرد یا متأهل) باید کشته شود. مطابق 2 حدیث، باید یک ضربت شمشیر به متجاوز بزنند، چه بمیرد چه زنده بماند. [134] علیرغم آنکه از لحاظ قانونی، اشد مجازات در نظر گرفته شده است، لیکن مجریان قانون در مقام اجرا کمتر شدت عمل به خرج می‌دهند. برخی اظهار می‌دارند که «بهترین راه پیشگیری از چنین جرم‌هایی، اجرای حدود در ملأ عام است، با این کار مجرمان می‌ترسند و اعمال خلاف را کنار می‌گذارند و مردم نیز درمی‌یابند که ظالم به سزای خود می‌رسد. به این ترتیب 80 درصد جرائم کاهش خواهد یافت». [135]

از آنجا که حفظ آبرو برای زنان بزه‌دیده بسیار مهم می‌باشد، در اجرای قانون، باید ترتیبی اتخاذ شود که ضرورتی به حضور قربانی در دادگاه برای اثبات درگیری و مقاومت در برابر متجاوز نباشد. البته جانبداری افراطی از شکایت‌زنان علیه مردان و متهم کردن مردان به تجاوز، هتک ناموس و... می‌تواند بسیار مشکل‌ساز

باشد. زیرا برخی از زنان که دچار اختلالات شخصیتی و عدم تعادل روانی هستند و از عقده‌ها و تعارض‌های جنسی رنج می‌برند، یا به قصد محکوم کردن مردان در دادگاه و شکنجه روانی و جسمی آنها یا به قصد اخاذی، چنین شکایت‌هایی را تسلیم پلیس و دادگاه می‌نمایند.

در مواردی که تجاوز از طرف محارم می‌باشد، قوانین جزایی شدید تری باید وضع شود. اگر قربانی کودک باشد و جانی پدر مشروع او باشد، مجازات باید تشدید شود؛ حتی اگر پدر مشروع کودک اعمالی انجام دهد که به تسهیل فساد یک کودک یا استفاده از عکس او برای اهداف جنسی یا اجبار فرزندش به خودنمایی جنسی برای دیگری بیانجامد. در تمامی این موارد، قانون باید حتی بدون شکایت مجنی علیه، جانی را مجازات کند و در کنار این مجازات قانون باید تدابیری برای سلب ولایت والدین برای تأمین سلامتی، امنیت و اخلاق کودک در نظر بگیرد و در مدت سلب قیمومیت، کودک به اعضای فامیل یا شخص ثالث یا به مراکز نگهداری کودکان سپرده شود. در صورت امکان، هر شش ماه و حداکثر هر دو سال یکبار، وضعیت کودک مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و در این مدت باید والدین مجرم تحت آزمایشات روان پزشکی قرار گیرند؛ اگر والدین دچار بیماری حاد روانی باشند، برای همیشه می‌توان آنها را از حق ولایت بر کودک محروم کرد. اما اگر بیماری روانی آنها قابل درمان باشد، باید تحت درمان قرار گیرند و دوباره به زندگی عادی خود برگردند، زیرا هدف باید این باشد که به کودک و خانواده اش تا حد امکان کمک شود تا کارکردهای «طبیعی» را در زندگی خود مجدداً در پیش بگیرند. [136]

حمایت از بزه دیدگان اصولاً در 3 مرحله قابل تصور است:

(الف) - حمایت از بزه دیده بلافاصله پس از تحقق جرم

این مرحله شامل مساعدت های پزشکی و تسکین ناملايمات روحی - روانی است.

(ب) - حمایت از بزه دیده در مرحله دادرسی

(ج) - حمایت از بزه دیده در مرحله تأمین ضرر و زیان

یکی از مهمترین ابعاد حمایت از بزه دیدگان این مرحله است که به منظور تضمین پرداخت زیان های وارده به بزه دیده در زمانی که دسترسی به بزه کار ممکن نیست و یا افلاس و اعسار وی و جبران خسارت بزه دیده ناممکن و متعذر می باشد، انجام می شود. برخی از قانونگذاران در کشور های مختلف تدابیر گوناگون و مؤثرتری اتخاذ کرده اند؛ به عنوان نمونه می توان به بیمه اجباری رانندگان اتومبیل اشاره کرد.

برای انجام این حمایت ها، اقدامات ذیل در برخی کشورها انجام شده است:

- ایجاد مرکزی برای حمایت از قربانیان تجاوز

برای کشورهایی که با بحران تجاوز مواجه هستند، ایجاد مرکز حمایت از قربانیان توصیه می شود تا قربانی تجاوز بتواند در اولین فرصت با این مرکز تماس بگیرد. در این مرکز، باید مددکار اجتماعی و پزشک معالج به قربانیان کمک نمایند. پزشک این مرکز باید با گردآوری مدارک جسمی محکمه پسند آشنا باشد. واحد مشاوره پزشکی باید در مورد مراقبت های پزشکی مشاوره دهد و واحد مشاوره حقوقی، زنان بزه دیده را راهنمایی نماید تا بدانند که چگونه به پلیس گزارش دهند تا هم متجاوز به سزای اعمالش برسد و هم آبروی قربانی حفظ شود و بتواند به زندگی عادی خود برگردد. این مرکز می تواند وکیل مدافع مناسب را به قربانی معرفی کند تا در صورت پیگیری موضوع، این کار را انجام دهد. [137] در این مرکز همچنین باید آمار دقیقی از انواع تجاوزات جنسی و علل اصلی آنها گردآوری شده و قربانی، مشاوره روانی گردد و به سایر سازمان های اجتماعی یا بخش های روان پزشکی معرفی شود و در یافتن روان درمانگر متخصص یاری شود.

- تشویق قربانی به گزارش تجاوز

یکی از عوامل تشدید تجاوز، عدم گزارش از سوی قربانی می باشد، از آنجا که در چنین حوادثی، نگرش بدبینانه ای نسبت به زنان وجود دارد و از سوی دیگر زنان ایرانی، بسیار مقید و مأخوذ به حیا هستند و از بازگویی واقعه با پلیس مرد خودداری می کنند، لازم است که در تمامی کلانتری ها، پلیس های زن موظف به پیگیری پرونده تجاوز به عنف باشند، بدین ترتیب گزارش این گونه جرائم افزایش خواهد یافت. ضمناً باید خطوط تلفن ویژه، برای کمک فوری و گزارش دهی قربانیان، پلیس اضطراری فراهم شود. همچنین باید زنان را متقاعد نمود که هر نوع تجاوز جنسی (از سوی بیگانه یا خویشاوندان) را به پلیس گزارش دهند. حتی اگر به هر دلیلی نمی خواهند شناخته شوند، می توانند گزارش خود را بدون مشخصات به صورت تلفنی یا کتبی ارائه دهند، این کار به مراکز قانونی (پلیس) اجازه می دهد تا گزارش های دقیقی از تعداد قربانیان و متجاوزان دریافت کنند و بتوانند با توجه به حجم بزه، مقدار مناسبی از نیروهای مادی و معنوی خود را جهت رسیدگی و درمان و مقابله با این معضل اختصاص دهند و برای قربانی های بالقوه حمایت های لازم را فراهم کنند. [138]

- تاسیس و تجهیز سازمان های غیردولتی

از آنجایی که کودکان و زنان خیابانی به شدت در قبال این آسیب اجتماعی بی دفاع می باشند، می توان با تاسیس و تجهیز سازمان های غیردولتی و ارائه برنامه های آموزشی و حمایتی، گامی مؤثر برای حمایت از آنها و ممانعت از وقوع تجاوز جنسی به آنها برداشت.

× قرآن کریم.

× ابن منظور افریقی المصری: «لسان العرب، دار الاحیاء التراث العربی»، قم 1405 هـ.ق.

× ابوت، پاملا؛ والاس، کلر: «مقدمه ای بر جامعه شناسی - نگرش های فمینیستی»، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، نشر دنیای مادر، 1376.

× امام خمینی، روح الله: «تحریر الوسیله»، دار الکتب العلمیه (اسماعیلیان)، قم، سال 1369.

× اوحدی، بهنام: «تمایلات و رفتارهای جنسی انسان»، نشر مؤلف، 1380.

× ایبراهمس، دیوید: «روانشناسی کیفری»، ترجمه دکتر صانعی، گنج دانش، 1371.

× برگمن، ارلین ایزن: «زنان ویتنام»، انتشارات چکیده، چاپ اول، 1359.

× برنارد، توماس و ولر، جرج و اسنیپس، جفری: «جرم شناسی نظری»، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، 1380.

× حرعاملی، محمد بن الحسن: «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، مؤسسه آل البيت علیهم السلام الاحیاء التراث، قم، 1414 هـ.ق.

× حمیدی، فریده: «حقوق زنان، حقوق بشر»، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، 1382.

× دهخدا، علی اکبر: «لغت نامه»، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده ادبیات، سال 1325.

× صبور اردوبادی، احمد: «آیین بهزیستی اسلام»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1367.

× طباطبائی، «المیزان»، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، 1363.

× قائمی، علی: «خانواده و مسائل جنسی کودکان»، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، 1368.

× کارلسون، کارن. جی؛ ترازیبوزین، استفانی.ا. ایزنستات؛ «بهداشت روانی زنان»، مترجمین خدیجه ابوالمعالی و دیگران، نشر ساوالان، 1379.

× کاونیگتن کولمن، جیمز: «روانشناسی ناپهنجار و زندگی نوین»، ترجمه کیانوش هاشمیان، انتشارات دانشگاه الزهراء (س)، 1376.

× کوچتکف، و.د؛ لاپیک، و.م: «روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان»، ترجمه محمد تقی زاد، انتشارات بنیاد، 1369.

× گلپایگانی، محمد رضا: «مجمع المسائل»، موسسه دار القرآن الکریم، قم، سال 1362.

× گودرزی، محمدرضا: «بزه دیده شناسی: پیدایش، تحول دیدگاه های نوین»، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره هفدهم و هیجدهم، آذر و دی 1379.

× گیدنز، آنتونی: «جامعه شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ دوم، 1374.

× لپز، ژرار؛ فیلیزولا، ژینا: «بزه دیده و بزه دیده شناسی»، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی، نشر مجد، 1379.

× مرتضوی، نسرین: «جایگاه زنان بزه دیده در قلمرو سیاست جنایی ایران»، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، مجتمع آموزشی عالی قم، 1376.

× معلوف، لوپس: «المنجد»، مترجم محمد بندرریگی، نشر ایران، 1374.

× مکارم شیرازی، ناصر: «تفسیر نمونه»، دار الکتب الاسلامیه، 1366.

× المناوی، محمد عبد الروؤف: «فیض القدير شرح الجامع الصغير»، تحقیق احمد عبدالسلام، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت 1415 هـ.ق.